



A Reflection on the Popular Opinion Regarding Following the Imam in the Bowing (Ruku') Position

Reza Poorsedghi¹ | Fahimeh Rouh Elahi² | Fahimeh Mowassagh³

1. Corresponding Author, Lecturer of Seminary and University; Director of the Principles of Islamic Jurisprudence (Usul al-Fiqh) Department, The Jurisprudential Center of the Pure Imams (pbut), Qom, Iran. Email: rezapoorsedghi@gmail.com
2. Researcher and Student at Jamiat al-Zahra (pbuh), Qom, Iran. Email: fahime194@gmail.com
3. Student at Jamiat al-Zahra (pbuh), Qom, Iran. Email: f.mowassagh@gmail.com

Article Info

Article type:

Review Article

Article history:

Received: 17 May 2025

Revised: 29 June 2025

Accepted: 28 July 2025

Available Online: 2 August 2025

Keywords:

Iqtida (Following the Imam), I'timām (Being Imam in Congregational Prayer), Customary Following, Congregational Prayer, Salāt al-Jamā'at.

ABSTRACT

One of the disputed issues in congregational prayer concerns the duty of the follower (ma'mum) when, during bowing (ruku') behind the Imam, the Imam rises from ruku' before the follower reaches it. This disagreement causes confusion among followers and raises certain challenges and doubts among congregants. Studies reveal five major opinions about this matter: 1. Choice between performing an individual prayer (forādā) and waiting state; 2. Choice among individual prayer, waiting, and following; 3. Choice between individual prayer and following; 4. Invalidity of the prayer; 5. Determination of the waiting state. The findings indicate that the popular view emphasizing the choice between individual prayer and waiting lacks sufficient strength, because the state of waiting is inconsistent with the customary notion of following (taba'iyat) in the concept of congregation. Since iqtidā' (following the Imam) requires the follower's compliance with the Imam's actions in prayer, in the discussed scenario, if the follower decides to continue the congregational prayer, he must follow the Imam and prostrate (Sujud) with him. The examination of narrations also confirms this understanding of iqtidā'. Therefore, in such a case, the follower should either intend individual prayer or, if continuing congregational prayer, perform the prostrations with the Imam, although this additional unit (rak'at) is not considered part of his prayer. Considering the aforementioned evidence, the stance of choosing between individual prayer and following, aligned with the concept of iqtidā' and supported by narrations, appears stronger and more valid.

Cite this article: Poorsedghi, R.; Rouh Elahi, F.; Mowassagh, F. (2024). A Reflection on the Popular Opinion Regarding Following the Imam in the Bowing (Ruku') Position. *Ibadah Fiqh Doctrines*, 4(7), 51-70. <https://doi.org/10.30513/jwd.2025.7026.1217>



تأملی بر نظر مشهور پیرامون اقتدا در رکوع امام

رضا پورصدقی^۱ | فهیمه روح‌الهی^۲ | فهیمه موثق^۳

۱. نویسنده مسئول، استاد حوزه و دانشگاه و مدیر گروه اصول مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، قم، ایران. رایانامه: rezapoorsedghi@gmail.com
۲. دانش‌پژوه و پژوهشگر جامعه الزهرا (س)، قم، ایران. رایانامه: fahime194@gmail.com
۳. دانش‌پژوه جامعه الزهرا (س)، قم، ایران. رایانامه: f.mowasagh@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: ترویجی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۰۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۶ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱ کلیدواژه‌ها: اقتدا، اتمام، تبعیت عرفی، نماز جماعت، صلات جماعت.	یکی از مباحث مورد اختلاف در نماز جماعت، تکلیف مأوم در حالتی است که هنگام رکوع امام به وی اقتدا می‌کند، اما پیش از رسیدن مأوم به رکوع، امام سر از رکوع برمی‌دارد. این اختلاف نظر، موجب سردرگمی مأومین و ایجاد برخی چالش‌ها و شبهات در بین نمازگزاران می‌گردد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در این خصوص پنج دیدگاه عمده وجود دارد: ۱. تخییر میان نماز فردی و حالت انتظار؛ ۲. تخییر میان فردی، انتظار و تبعیت؛ ۳. تخییر میان فردی و تبعیت؛ ۴. بطلان نماز؛ ۵. تعیین حالت انتظار. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که دیدگاه مشهور که بر تخییر میان فردی و انتظار تأکید دارد، قوت کافی ندارد، زیرا حالت انتظار با تبعیت عرفی در مفهوم جماعت هم‌خوان نیست. از آن‌جا که اقتدا مستلزم پیروی مأوم از امام در افعال نماز است، در فرض مورد بحث، اگر مأوم تصمیم به ادامه نماز جماعت داشته باشد، باید از امام تبعیت کرده و همراه او به سجده رود. بررسی روایات نیز این برداشت از مفهوم اقتدا را تأیید می‌کند. بنابراین، در چنین حالتی، مأوم یا باید نیت فردی کند و یا در صورت ادامه نماز جماعت، همراه امام سجده‌ها را انجام دهد؛ هرچند این رکعت جزو نماز او محسوب نمی‌شود. با توجه به ادله مذکور، دیدگاه تخییر میان فردی و تبعیت، با توجه به مفهوم اقتدا و مستندات روایی، از استواری بیشتری برخوردار است.

استناد: پورصدقی، رضا؛ روح‌الهی، فهیمه؛ موثق، فهیمه. (۱۴۰۴). تأملی بر نظر مشهور پیرامون اقتدا در رکوع امام. آموزه‌های فقه‌عبار، ۷(۷)، ۵۱-۷۰. <https://doi.org/10.30513/jwd.2025.7026.1217>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی

مقدمه

نماز جماعت از مناسک مهم عبادی است که از ابتدای اسلام، ذهن‌ها و جان‌های مسلمانان را به خود مشغول کرده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. نحوه انجام و فروعات آن نیز، به دلیل اهمیت خود این عبادت، جایگاه خاصی یافته و تا حد قابل توجهی مورد توجه مجتهدین بوده است. با این حال، ابتلای عمومی مردم و توجه فقها به احکام نماز جماعت، هیچ‌گاه راه بررسی‌های فقهی نسبت به فروعات آن را نبسته و همچنان برخی از فروعات آن نیازمند کاوش‌های دقیق علمی است. از جمله فروعاتی که در رساله‌های عملیه و کتب فقهی مورد توجه قرار گرفته، ولی به نظر می‌رسد همچنان نیازمند بررسی است، مسئله اقتدا در حالتی است که امام در رکوع باشد و مأوم، پس از اقتدا، پیش از رسیدن به رکوع، با برخاستن امام از رکوع مواجه شود. در این حالت، پس از اقتدا و تکبیر مأوم، امام از رکوع برمی‌خیزد و باید مشخص گردد تکلیف مأوم چیست؛ آیا نماز او به دلیل عدم درک رکوع جماعت، فرادی محسوب می‌شود یا می‌تواند به امام ملحق گردد؟ در صورت دوم، نحوه الحاق به چه صورتی خواهد بود؟

با توجه به این که نظریه رایج «تخیر بین فرادی و انتظار» - که براساس آن مأوم مجاز است در حالت انتظار بماند، بدون تبعیت از امام - با ماهیت واقعی اقتدا در نماز جماعت ناسازگار است، پژوهش حاضر به بررسی عمیق و ریشه‌ای این مسئله پرداخته است.

این موضوع، با وجود جنبه عملی و کاربردی آن، با عنایت به آراء و نقدهای موجود فقها، به صورت جامع مورد بحث قرار نگرفته است. از سوی دیگر، این تحقیق نقطه شروعی برای ورود پژوهش‌های علمی به مباحث اجتهادی در حوزه عبادات، به ویژه نماز جماعت، محسوب می‌شود؛ چرا که با مراجعه به مقالات و مجلات علمی مشخص می‌شود آثار شایسته‌ای در این زمینه تولید نشده است. امید است این پژوهش، به یاری خداوند متعال، گامی نو در گسترش پژوهش‌های فقهی در این حوزه باشد.

فقهها در کتب فقهی، ضمن بررسی مسائل مربوط به نماز جماعت، به صورت گذرا به این موضوع اشاره کرده‌اند. همچنین، برخی تحقیقات مستقل به مفهوم تبعیت در نماز جماعت پرداخته‌اند، اما عمدتاً به صورت کلی و بدون تحلیل عمیق این مسئله. به عنوان نمونه، می‌توان به مورد زیر اشاره کرد:

۱. جمال‌الدین جمال، ۱۴۰۰، در پایان‌نامه «شرایط، احکام و آثار نماز جماعت از دیدگاه مذاهب پنج‌گانه»، رشته الهیات و معارف اسلامی، جامعه المصطفی‌العالمیه، واحد گرگان، تبعیت مأموم از امام را در نماز جماعت واجب دانسته است.

۲. فریبا زندی، ۱۴۰۲، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد «احکام و شرایط نماز جماعت در فقه اهل سنت»، رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه کردستان، تبعیت مأموم از امام را واجب تلقی نموده و در این خصوص چنین نتیجه گرفته است: «اختلاف نظر فقها در افعال تبعیت، به قواعد و قوانین مدون فقه و اصول برمی‌گردد».

۳. علی علیزاده، ۱۴۰۱، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد «نماز جمعه و نماز جماعت از منظر قرآن و روایات»، رشته الهیات و معارف اسلامی با گرایش قرآن و حدیث، جامعه المصطفی‌العالمیه، دانشگاه مجازی المصطفی، حالات تحقق تبعیت در نماز جماعت را بررسی نموده و در خصوص تبعیت واجب در افعال نماز چنین آورده است: «تبعیت نکردن از امام در افعال، اگر سهوی باشد ایرادی ندارد، اما اگر به طور عمدی تابع امام نباشد، نماز چنین شخصی اشکال دارد».

با توجه به بررسی‌ها و جست‌وجوهای گسترده نگارندگان در پایگاه‌های اطلاعات علمی و منابع پژوهشی معتبر، مقاله‌ای مستقل و منسجم که به طور خاص به بررسی حکم تبعیت مأموم از امام جماعت در فرض عدم ادراک رکوع پرداخته باشد، یافت نگردید. آثار موجود، عمدتاً به صورت پراکنده و اجمالی به مفهوم تبعیت در نماز جماعت اشاره کرده‌اند، بی‌آن‌که ابعاد فقهی و اصولی مسئله مذکور را به صورت نظام‌مند و با تکیه بر منابع اربعه و مبانی اصولی، تحلیل و تبیین نموده باشند.

این خلأ پژوهشی، ضرورت پرداختن به این مسئله را با نگاهی اجتهادی، تطبیقی و مسئله‌محور ایجاب می‌نماید؛ به‌ویژه آن‌که در شرایط کنونی، با افزایش شمار

نمازگزارانی که در لحظات پایانی رکعت به جماعت ملحق می‌شوند، تبیین حکم فقهی چنین فرضی، نقشی بسزا در رفع ابهام و پاسخ‌گویی به نیازهای نوپدید فقهی خواهد داشت. از این رو، پژوهش حاضر با تمرکز بر حکم خاص «عدم ادراک رکوع» در قالب تبعیت مأموم، گامی نو در توسعه فقه عبادات محسوب می‌گردد.

در این تحقیق، ابتدا مفهوم اقتدا در ذیل واژه «ائتمام» مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس فتاوی مختلف، همراه با قائلان و ادله آنان، مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۱. مفهوم‌شناسی ائتمام

واژگانی نظیر «ائتمام»، «اقتدا» و «تبعیت» دارای اشتراک مفهومی و معنایی هستند؛ از این رو، در این گفتار به تبیین معانی این واژگان می‌پردازیم.

- ائتمام

واژه «ائتمام» از ریشه عربی «أ ت م» (أتمّ) گرفته شده و به معنای «کامل کردن»، «تکمیل کردن» یا «پیروی کامل» است (ابن منظور، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۳۹۹). در لغت، ائتمام به معنای تبعیت و پیروی کامل از شخصی دیگر است (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۶۶۰)، به گونه‌ای که عمل ناقص را با پیروی از او کامل سازد.

در منابع معتبر فقهی، به دلیل وضوح معنای «صلاه جماعت» و همچنین عدم وجود معنایی متمایز از معنای عرفی برای واژگانی چون «ائتمام»، معمولاً تعریف خاصی ارائه نشده و به همان معنای لغوی و واضح عرفی اکتفا شده است (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۴۰۰). شاید تنها عبارتی که در کلام فقها به معنای ائتمام اشاره دارد، این عبارت از کلام علامه در قواعد باشد که می‌فرماید: اگر شخص بدون نیت (اقتدا) پیروی کند، نماز باطل است (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۱۵). تعبیر «پیروی کردن» در این عبارت، همان معنای اقتدا است که باید با نیت تبعیت از امام انجام شود، وگرنه باطل خواهد بود.

آنچه از ارتکاز متشرعین و همچنین از اوصاف و شرایطی که در کتب فقهی برای نماز جماعت بیان شده برمی‌آید، این است که «ائتمام» به معنای پیروی کامل مأموم (نمازگزار پیرو) از امام جماعت در نماز است. این اصطلاح، شامل همگامی

تأملی بر نظر مشهور پیرامون اقتدا در رکوع امام / رضا پورصدقی و ۵۶

مأموم با امام در افعال نماز (مانند رکوع، سجود و قیام) و نیز پرهیز از سبقت گرفتن بر امام است. شرایط خاص ائتمام عبارت اند از:

- نیت پیروی از امام؛
- همزمانی یا تأخیر اندک افعال مأموم نسبت به امام (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۵۱۰).

گاه «ائتمام» با «اقتدا» مترادف شمرده می شود، اما برخی فقها میان آن دو تفاوت قائل اند: «اقتدا» نیت پیروی از امام است و «ائتمام» اجرای عملی تبعیت در افعال نماز (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۵۱۱).

در نتیجه، ائتمام در نماز جماعت، هم در لغت به معنای تکمیل عمل از طریق پیروی است و هم در اصطلاح فقهی، به تبعیت عملی مأموم از امام اشاره دارد.

- اقتدا

«اقتدا» در لغت به معنای انجام عملی همانند عمل فردی دیگر، به قصد تأسی است (ابن منظور، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۰۳). به اقتداکننده «مقتدی» و به رفتار او «اقتداء» و به اقتداشونده «مقتدابه» گفته می شود. تاج العروس به نقل از جوهری، «قُدَوَه» را به معنای «أسوه» آورده است (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۲۰، ص ۶۷). بنابراین، اقتدا به معنای الگو گرفتن و پیروی کردن است.

اقتدا در اصطلاح، در دو معنا به کار رفته است:

۱. اقتدا در نماز، به معنای تبعیت مأموم از امام جماعت در افعال نماز است؛
۲. به عبارت دیگر، ارتباط بین نماز مأموم و نماز امام است که در شرع دارای احکام و شرایط خاص خود می باشد.

- تبعیت

در لغت، به معنای پیروی کردن و تابع بودن آمده است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۸۹؛ ابن منظور، ج ۱، ص ۶۰۹؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۲۸۰).

تبعیت در فقه، در موارد متعددی به کار رفته است، از جمله: تبعیت در طهارت (انصاری، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۶۰۲)، تبعیت در نجاست (ایروانی، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۱۴۳)، تبعیت در اسلام و کفر (بحرانی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۲۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۴۴): تبعیت فرزند نابالغ

از پدر یا مادر خود در اسلام (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۸، ص ۱۸۳)، تبعیت در مالکیت (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۴، ص ۲۳۷): تبعیت معادن، روییدنی‌ها یا دیگر اجزای یک قطعه زمین از مالکیت زمین (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۳۵۵)، تبعیت در استیطان (عاملی کرکی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۵۴۱)، تبعیت زن از شوهر و خدمتکار از مخدوم (یزدی طباطبایی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۱۴۲).

یکی از کاربردهای واژه «تبعیت» در نماز جماعت است که در این معنا، پیروی کامل مأموم از امام جماعت مراد است.

در خصوص کاربرد این واژه در نماز جماعت، دو احتمال وجود دارد:

الف) احتمال دارد مراد، وجوب تأخر مأموم از امام باشد. طبق این احتمال، همراهی و مساوقت مأموم با امام جایز نیست؛ زیرا همراهی و مساوقت، به معنای عدم تأخر مأموم از امام خواهد بود.

ب) احتمال دارد مراد این باشد که جایز نیست مأموم بر امام مقدم شود. طبق این احتمال، همراهی و مساوی بودن مأموم با امام جایز است.

بر اساس این معنای اصطلاحی، بحث تبعیت، در حقیقت ناظر به جواز یا عدم جواز همراهی و مساوی بودن مأموم با امام است.

با حفظ این مقدمه، باید گفت در کلام قدما، معنای اصطلاحی تبعیت به صراحت بیان نشده و فقط بر وجوب آن تأکید شده است. محقق حلی در مختصر می‌گوید: واجب است تبعیت کردن از امام و اگر مأموم از روی فراموشی بر امام سبقت گرفت، باید برگردد و همراه امام شود و اگر این کار عمدی باشد، باید ادامه دهد (حلی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۴۷). ابن زهره در الغنیه آورده است: «و یلزم المؤتم عزمًا و فعلًا»؛ یعنی بر مأموم لازم است در افعال به امام اقتدا کند (ابن زهره، ۱۴۱۷، ص ۸۸). با تأمل در این عبارات می‌توان گفت که منظور از تبعیت، در تحقیق حاضر، عدم تقدّم مأموم بر امام است.

۲. آراء و اقوال

بر اساس وجوب تبعیت مأموم از امام جماعت در افعال نماز، در فرضی که امام

در حالت رکوع قرار دارد و مأموم قصد دارد رکوع امام را درک کند ولی پس از اقتدا و تکبیر به رکوع امام نمی‌رسد، میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. مراجعه به حاشیه عروه این اختلافات را به خوبی آشکار می‌سازد؛ مجموعه دیدگاه‌هایی که در ذیل عبارت سید یزدی از کلمات محشین به دست می‌آید، عبارت‌اند از: تخییر بین فردی و انتظار تا رکعت بعد امام، بطلان نماز، فقط انتظار، تخییر بین فردی و تبعیت (یزدی طباطبایی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۱۳۶) و فقط فردی (یزدی طباطبایی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۶۵۸).

۲-۱. دیدگاه تخییر بین فردی و انتظار

دیدگاه نخست که اکثریت فقهای شیعه به آن قائل‌اند (طوسی، ۱۳۸۷، ق ۱، ص ۲۵۷؛ عاملی، ۱۳۷۷، ش ۴، ص ۴۷۵) و مبنای عمل بسیاری از مکلفین و مؤمنین قرار گرفته، این است که نمازگزار در چنین فرضی مخیر است نماز خود را به صورت فردی ادامه دهد یا منتظر بماند تا در رکعت بعد به نماز جماعت ملحق گردد (حائری یزدی، ۱۴۰۴، ص ۴۶۵). وجه فردی شدن نماز آن است که اقتضای تبعیت از امام، درک رکوع امام توسط مأموم است و در صورتی که این درک حاصل نشود، صدق اقتدا نخواهد کرد و در نتیجه نماز به صورت فردی خواهد بود. شیخ طوسی تصریح می‌کند: زمانی که مأموم به امام اقتدا کند و امام در رکوع باشد ولی به رکوع او نرسد، طبق وجوب تبعیت از امام جماعت، نماز مأموم فردی می‌شود (طوسی، ۱۳۸۷، ق ۱، ص ۱۵۹).

از نظر مرحوم حکیم، جواز انفراد بی‌اشکال است، هرچند ما اجازه نیت انفراد پس از اتمام را نپذیریم؛ زیرا در این فرض، جماعت اساساً منعقد نشده و مأموم از ابتدا منفرد بوده است (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۲۰۸). مرحوم حائری یزدی نیز فردی شدن نماز را مطابق قاعده می‌داند و می‌نویسد: دلیل این امر آن است که شخص، وظیفه جماعت را انجام نداده است (حائری یزدی، ۱۴۰۴، ص ۴۶۵).

در لزوم تبعیت مأموم از امام تردیدی نیست؛ محقق عبدالاعلی سبزواری می‌گوید: «إنه المنساق من البناء على الاقتداء والائتمام والجماعة عرفاً» (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۵۱) و محقق خوئی نیز در مسئله عدم جواز جلوافتادن از امام

می‌نویسد: «لزوم تبعیت کردن مقتضای مفهوم اقتدا و لازمه امام بودن امام است و احتیاجی به ورود نص در این مقام نیست؛ زیرا مأوم بودن و اقتداء کردن عرفاً با تبعیت معنا و تحقق پیدا می‌کند و مقدم شدن براو در افعال، با این عنوان منافات دارد» (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۷، ص ۱۱۹). بنابراین با توجه به کلام فقها و فهم عرفی از واژه‌های «اقتدا» و «ائتمام» می‌توان گفت که در عرف، مأوم بودن به معنای تبعیت کامل در افعال نماز از امام جماعت است و عدم تحقق ائتمام، به معنای فردی شدن نماز خواهد بود.

نسبت به انتظار نیز استدلال‌هایی از سوی فقها مطرح شده است.

۱. استدلال به صدق عرفی جماعت است؛ بر همین اساس، مرحوم امام انتظار را به دلیل صدق عرفی جماعت، مشروط به آن می‌داند که امام جماعت کند نباشد، زیرا در غیر این صورت، انتظار از مفهوم عرفی جماعت خارج خواهد شد (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶۸). البته مرحوم حکیم این نکته را افزوده‌اند که این مسئله از مخترعات شرعی است و معیار در آن، عرف متشرعین است نه عرف عام (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۲۰۸).

۲. استدلال به قیاس اولویت است؛ به این بیان که همان‌گونه که بعداً خواهد آمد، در برخی روایات، اقتدا به امام بعد از رکوع به این صورت آمده است که شخص تکبیر بگوید و با امام به سجده رود. در این صورت، اگر وارد شدن به نماز جماعت همراه با انجام دو سجده که خود رکن محسوب می‌شود جایز باشد، پس بدون افزودن رکن، به طریق اولویت صحیح خواهد بود.

۳. صحیح‌ه عبدالرحمن از امام صادق علیه السلام که می‌فرماید: «... إِذَا وَجَدْتَ الْإِمَامَ سَاجِدًا فَأَثْبُتْ مَكَانَكَ حَتَّى يَرْفَعَ رَأْسَهُ وَإِنْ كَانَ قَاعِدًا قَعَدْتَ وَإِنْ كَانَ قَائِمًا قُمْتَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۳۸۲)؛ یعنی «اگر امام را در حال سجده یافتی، در جای خود بایست (و مستقیماً به سجده نرو) تا زمانی که سر از سجده بردارد، و اگر نشسته بود تو هم بنشین و اگر ایستاده بود تو هم بایست». در این روایت، حضرت از همراهی با امام جماعت در حالت سجده منع فرموده و حکم به انتظار داده‌اند.

۴. موثقه عمار از امام صادق علیه السلام که می‌گوید: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ أَدْرَكَ الْإِمَامَ وَهُوَ جَالِسٌ بَعْدَ الرَّكْعَتَيْنِ قَالَ يَفْتَتِحُ الصَّلَاةَ وَلَا يَقْعُدُ مَعَ الْإِمَامِ حَتَّى يَقُومَ»

تأملی بر نظر مشهور پیرامون اقتدا در رکوع امام / رضا پورصدقی و ۶۰

(طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۷۳)؛ یعنی «از امام صادق علیه السلام درباره مردی که امام را پس از دو رکعت در حال نشسته دریابد پرسیدم. حضرت فرمودند: نماز را آغاز کند (با تکبیرة الاحرام)، ولی همراه امام ننشیند تا زمانی که امام برای رکعت بعدی برخیزد». براین اساس، حالت نشسته بودن امام بعد از دو سجده، خصوصیت خاصی ندارد و تفاوتی ندارد که امام در حال سجده، تشهد یا نشسته باشد؛ در نتیجه، طبق این روایت، مأوم باید در هریک از این حالات صبر کند تا امام برای رکعت بعدی برخیزد و سپس با او همراه شود.

اینکه فقها این روایت را حمل بر جواز کرده اند (حلی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۴۷)، منافاتی با استدلال و برداشت یادشده ندارد و در هر صورت، اعم از وجوب انتظار یا جواز آن و جواز نشستن، جواز انتظار به این روایت قابل استناد خواهد بود.

نقد و بررسی دیدگاه تخییر بین فرادی و انتظار

دیدگاه تخییر بین فرادی و انتظار، مورد نقد برخی از بزرگان قرار گرفته است. آقای فیاض این دیدگاه را فاقد دلیل دانسته و می نویسد: تخییر بین فرادی یا انتظار هیچ مستند معتبری ندارد، علاوه براین، نماز در این حالت تنها به صورت فرادی صحیح است نه جماعت؛ زیرا اگر مأوم در حالت ایستاده منتظر بماند و در رکعت بعدی به امام اقتدا کند، در صورتی که آن را رکعت اول خود حساب کند، خلاف فرض خواهد بود (چون رکعت قبلی را از دست داده است) و اگر آن را رکعت دوم خود بداند (با این فرض که رکعت اول قبلاً انجام شده)، این به معنای شروع نماز به صورت فرادی و سپس پیوستن به جماعت است که مشروعیتی ندارد و دلیلی بر صحت آن وجود ندارد (فیاض، بی تا، ج ۳، ص ۴۷۵).

اشکال ایشان قابل پاسخ است؛ چراکه ایرادی که به فرض اول مطرح کرده اند وارد نیست، زیرا مأوم باید این رکعت را رکعت اول خود به شمار آورد، دقیقاً به این دلیل که رکعت قبلی امام را درک نکرده است و از این جهت مانعی وجود ندارد. همچنین، ایرادی که به فرض دوم گرفته اند نیز وارد نیست، زیرا چنین نیست که شخص ابتدا نماز را فرادی و سپس جماعت کند، بلکه انتظار او به دلیل نیت جماعت بوده است و در غیر این صورت، اصلی انتظار فاقد توجیه خواهد بود.

مرحوم حائری یزدی نیز می‌نویسد: در مورد باقی ماندن بر اقتدا تا رکعت بعدی، اگر مستند آن صدق عرفی جماعت باشد، اشکال وجود دارد، زیرا اکتفا به صدق عرفی برای این مفهوم، مبتنی بر اثبات اطلاق در ادله جماعت است که در آن منع وجود دارد، و اگر مستند آن دلیل خاصی باشد، منبعی برای آن نیافتیم. بله، عمار روایت کرده که از امام صادق علیه السلام درباره مردی که امام را در حال نشستن پس از دو رکعت درک کرده پرسیدم و حضرت فرمودند: نمازش صحیح است و نباید همراه امام بنشیند تا وقتی که امام برخیزد، اما این روایت مختص به مورد خاص خود بوده و شامل مسئله حاضر نمی‌شود (حائری یزدی، ۱۴۰۴، ص ۴۶۵).

به نظر می‌رسد اگر مراد مرحوم حائری یزدی، اشکال به حالت انتظار باشد، این اشکال وارد است، ولی اگر حتی در صورت تبعیت مأموم از امام، حکم به بطلان جماعت داده باشند، چنین سخنی صحیح نخواهد بود که در ادامه به تفصیل بیان خواهد شد.

مرحوم آقای خویی نیز درباره انتظار می‌گوید: چنین راهی مشکل است، زیرا خلاف قاعده بوده و اتمام به صرف قصد محقق نمی‌شود؛ اتمام متقوم بر تبعیت است و در فرض یادشده، شخص تبعیت نمی‌کند و دلیلی بر بخشیده شدن این مقدار وجود ندارد، ضمن آن که هیچ دلیل یا نص معتبری، حتی غیر معتبر، نسبت به صحت چنین اقتدایی وجود ندارد (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۷، ص ۱۱۶).

از سوی دیگر، قیاس اولویت به روایاتی که اقتدا بعد از رکوع را اجازه داده‌اند نیز مخدوش است، زیرا اقتضای اتمام و تبعیت این است که مأموم از امام پیروی کند، در حالی که انتظار، عملاً به معنای عدم تبعیت از امام است و حتی می‌توان گفت چنین روایاتی برد این روش دلالت دارند.

روایت عبدالرحمن از امام صادق علیه السلام که در آن حضرت فرمودند: «إِذَا وَجَدْتَ الْإِمَامَ سَاجِدًا فَأَثْبُتْ مَكَانَكَ» از نظر سند صحیح و معتبر است، اما مرحوم آقای خویی آن را از نظر دلالت برای اثبات مدعا ناکافی می‌داند؛ زیرا «فأثبت مكانك» اعم از داخل شدن در نماز است و ممکن است صرف ایستادن و انتظار یا نشستن و برخاستن بعد از آن مراد باشد (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۷، ص ۱۱۸). با این حال، به نظر می‌رسد

این ایراد وارد نیست، زیرا بعید است حضرت بدون داخل شدن در نماز، امر به ایستادن یا نشستن همراه امام کنند و ظاهر روایت بر اتمام و داخل شدن در نماز دلالت دارد. اشکال اصلی در استناد این مدعا به روایت، از این ناحیه است که چگونه می‌توان انتظار را به این روایت مستند کرد، در حالی که حضرت در همین روایت می‌فرمایند: اگر امام را نشسته یافتی، بنشین. این عبارت به خوبی نشان می‌دهد که حضرت حکم به تبعیت از امام در هر حال داده‌اند، مگر در حالتی که امام را در حال سجده دریابی که در این صورت، اگر اقتدا کند، باید منتظر خروج امام از سجده بماند. بنابراین، طبق این روایت، تنها در یک حالت مأموم باید حالت انتظار داشته باشد و آن وقتی است که اقتدا در حال سجده امام انجام گیرد.

در روایت مؤثقه عمار نیز که حضرت اجازه ندادند مأموم در حالت نشسته با امام جماعت همراه شود، احتمال می‌رود علت حکم به عدم نشستن این باشد که امام در آستانه برخاستن برای رکعت بعدی قرار دارد. مؤید این نکته، تعبیر «جَالِسٌ بَعْدَ الرَّكْعَتَيْنِ» است که ناظر به حالتی است که امام دو رکعت را به طور کامل به پایان رسانده است. افزون بر این، حالت یادشده فاقد عملی از نماز است که مأموم بتواند تا رکعت بعدی با امام در آن همراهی کند و از این رو، انتظار در این فرض، به معنای عدم پیروی از امام جماعت محسوب نمی‌شود.

اشکال دیگر آن است که به مضمون این روایت، فتوایی مشاهده نمی‌شود (شوشتری، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۳۱۸). همچنین، اشکال دیگری که مطرح است این است که در روایات متعددی، در فرض اقتدا بعد از رکوع، مأموم به سجود امر شده است و امکان جمع عرفی بین این روایات وجود دارد. جمع عرفی این است که در حالت خاصی که موضوع این روایت است، شخص می‌تواند منتظر بماند، ولی در غیر این حالت، اعم از این که امام قبل از سجده باشد یا در حال سجده، باید به سایر روایات مراجعه کرد. بنابراین، نحوه جمع عرفی مرحوم حکیم که آن را حمل بر تخییر بین انتظار و تبعیت کرده است (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۲۰۸)، محل اشکال خواهد بود.

۲-۲. دیدگاه تخییر بین نیت فرادی، انتظار و تبعیت از امام

از کلمات برخی فقها چنین استفاده می‌شود که مکلف می‌تواند در فرض مورد

بحث، علاوه بر نیت فرادی یا انتظار، از امام تبعیت کرده و به سجده رود، هرچند این تبعیت جزو رکعت اول او به شمار نمی‌آید (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۲۰۷؛ ترجینی عاملی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۵۲۷). نیت فرادی و انتظار، در دیدگاه پیشین بررسی شد، اما راه سوم، یعنی تبعیت از امام، مستند به روایات است.

روایت اول، نقل شیخ طوسی از معلى بن خنيس از امام صادق عليه السلام است: «إِذَا سَبَقَكَ الْإِمَامُ بِرُكْعَةٍ فَأَذْرَكَتَهُ وَقَدْ رَفَعَ رَأْسَهُ فَاسْجُدْ مَعَهُ وَلَا تَعْتَدَ بِهَا» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۸). حضرت در این روایت می‌فرمایند: اگر امام یک رکعت بر تو پیشی گرفت (یعنی وقتی تو وارد نماز شدی، امام در رکعت بعدی بود) و او را در حالی که سرش را از رکوع برداشته (یعنی به سجده می‌رود) درک کردی، با او به سجده برو و آن رکعت را که کامل نکرده‌ای به حساب نیاور. این روایت مورد توجه بسیاری از فقها قرار گرفته و در مسئله درک امام بعد از رکوع، مستند فقهی آنان است (برای نمونه: حلی، محقق، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۴۷؛ حلی، علامه، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۲۹۹). صاحب ریاض ضعف سند روایت را با شهرت عظیم، قریب به اجماع، بلکه خود اجماع، جبران شده می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۲۹۳) و میرزای قمی نیز آن را صحیح دانسته است (قمی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۲۰۸).

روایت دوم از امام باقر عليه السلام و امام صادق عليه السلام چنین نقل شده است: «دَعَاءُ الْمُسْلِمِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: ... وَإِنْ لَمْ يُدْرِكْ حَتَّى رَفَعَ مِنَ الرُّكُوعِ فَلْيَدْخُلْ مَعَهُ وَلَا يَعْتَدُ بِتِلْكَ الرُّكْعَةِ» (مغربی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۹۲-۱۹۳)؛ «اگر مأموم، امام را درک نکرد مگر زمانی که امام از رکوع برخاسته است، باید به نماز جماعت بپیوندد، اما آن رکعت را به حساب نیاورد». این روایت مرسله است و به تنهایی قابل استناد نیست، اما می‌تواند به عنوان مؤید مورد توجه قرار گیرد. روایت بیان می‌کند که اگر مأموم زمانی به نماز جماعت برسد که امام از رکوع رکعتی برخاسته و در حال ایستادن است، می‌تواند به نماز ملحق شود، اما آن رکعت برای او محسوب نمی‌شود. براین اساس، درک رکوع نه شرط صحت اقتدای مأموم است و نه مانع ورود به جماعت، بلکه تنها شرط محسوب شدن آن رکعت به حساب می‌آید. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که مراد حضرت از الحاق به نماز در این حالت چیست؛ آیا

صرف نیت تبعیت کافی است یا علاوه بر آن، تبعیت عملی نیز لازم است؟ ظاهر روایت بر این است که مراد از الحاق، تبعیت عملی مأموم از امام است.

روایت سوم: «عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: ثَلَاثٌ لَا يَدْعُهُنَّ إِلَّا عَاجِزٌ: رَجُلٌ سَمِعَ مُؤَذِّنًا لَا يَثُورُ كَمَا قَالَ، وَرَجُلٌ لَقِيَ جَنَازَةً لَا يُسَلِّمُ عَلَى أَهْلِهَا وَيَأْخُذُ بِجَوَانِبِ السَّرِيرِ، وَرَجُلٌ أَدْرَكَ الْإِمَامَ سَاجِدًا لَمْ يُكَبِّرْ وَيَسْجُدْ وَلَا يَعْتَدُ بِهَا» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص ۴۹۳). این روایت از نظر سندی مرسله و ضعیف است. طبق آن، امام علی (ع) فرمودند: «سه کار است که تنها فرد ناتوان از انجام آن‌ها سرباز می‌زند: ۱. کسی که صدای اذان مؤذن را بشنود و همانند او اذان نگوید؛ ۲. کسی که با جنازه‌ای روبه‌رو شود اما به اهل آن سلام نکند و در حمل تابوت شرکت نکند؛ ۳. کسی که امام جماعت را در حال سجده دریابد، اما تکبیر نگوید و به سجده نرود؛ در این صورت، آن رکعت برای او محسوب نمی‌شود». در بخش مربوط به نماز جماعت، حضرت تصریح می‌کنند که اگر مأموم، امام را در حال سجده درک کند، باید با گفتن تکبیر به سجده برود و به نماز ملحق شود، اما آن رکعت به دلیل عدم درک رکوع برای او محسوب نمی‌شود. این روایت نیز تأکید می‌کند که درک ناقص از رکعت، مانند تنها رسیدن به سجده، مانع پیوستن به جماعت نیست، ولی موجب می‌شود آن رکعت کامل شمرده نشود. در این روایت نیز، حکم به تبعیت از امام جماعت شده است.

روایت چهارم: صحیح‌ه حلبی از امام صادق (ع): «إِذَا أَدْرَكَتَ الْإِمَامَ قَدْ رَكَعَ فَكَبَّرْتَ وَرَكَعْتَ قَبْلَ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ فَقَدْ أَدْرَكَتَ الرُّكْعَةَ فَإِنْ رَفَعَ الْإِمَامُ رَأْسَهُ قَبْلَ أَنْ تَرْكَعَ فَقَدْ فَاتَتْكَ الرُّكْعَةُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۸۲). حلبی نقل می‌کند که حضرت فرمود: «اگر به امام رسیدی در حالی که او در رکوع است، تکبیر بگو و رکوع کن پیش از آنکه امام سر از رکوع بردارد، در این صورت آن رکعت را درک کرده‌ای. اما اگر امام سر از رکوع برداشت قبل از آنکه تو رکوع کنی، آن رکعت را از دست داده‌ای».

این روایت از نظر سندی صحیح و معتبر است (حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص ۱۹۹) و بیان می‌کند که اگر مأموم قبل از بلند شدن امام از رکوع به رکوع برسد، آن رکعت برای او محسوب می‌شود و در غیر این صورت، آن رکعت را از دست داده است. آنچه شخص در این حالت از دست داده، تنها شمارش رکعت است؛ بنابراین، اولاً نماز او

باطل نیست و ثانیاً همچنان می‌تواند در نماز جماعت باقی بماند، و مقتضای باقی ماندن بر جماعت در این حالت، تبعیت از امام جماعت است.

روایت پنجم: معاویه بن شریح از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «إِذَا جَاءَ الرَّجُلُ... وَمَنْ أَدْرَكَ الْإِمَامَ وَهُوَ سَاجِدٌ كَبَّرَ وَسَجَدَ مَعَهُ وَلَمْ يَعْتَدِ بِهَا» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۳۹۴)؛ «هنگامی که شخصی (به نماز جماعت) برسد... و اگر امام را در حال سجده درک کرد، تکبیر بگوید و همراه او به سجده رود، ولی آن (سجده) به حساب رکعت نیست».

این روایت از نظر آقای خویی، به دلیل عدم توثیق معاویه بن شریح، از قوت سندی برخوردار نیست (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۷، ص ۱۱۸)، اما به نظر می‌رسد وی همان معاویه بن میسره بن شریح باشد که امامی و به واسطه نقل ابن ابی عمیر از او (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۱۴) ثقه است. روایت بیان می‌کند که اگر مأموم هنگام پیوستن به جماعت، امام را در حالت سجده ببیند، می‌تواند تکبیر الاحرام گفته و بلافاصله به سجده رود، اما این سجده، جزء رکعت محسوب نمی‌شود و مأموم باید پس از آن، رکعت کامل را با قیام، رکوع و سجود به جا آورد.

روایت ششم: صحیحہ ربعی و فضیل: «سَأَلْتَاهُ عَنْ رَجُلٍ صَلَّى مَعَ إِمَامٍ يَأْتُمُّ بِهِ فَرَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السُّجُودِ قَبْلَ أَنْ يَرْفَعَ الْإِمَامُ رَأْسَهُ مِنَ السُّجُودِ قَالَ فَلْيَسْجُدْ وَمَنْ أَدْرَكَ الْإِمَامَ وَقَدْ رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرُّكُوعِ فَلْيَسْجُدْ مَعَهُ وَلَا يَعْتَدَ بِذَلِكَ السُّجُودِ» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۸). مرحوم صدوق نیز همین مضمون را از فضیل نقل کرده است (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۹۶).

ربعی و فضیل می‌گویند: از امام صادق علیه السلام درباره مردی که به امام جماعت اقتدا کرده و پیش از آن که امام سراز سجده بردارد، خود از سجده برخاسته است، پرسیدیم. حضرت فرمودند: باید دوباره به سجده برگردد. و کسی که امام را هنگامی دریابد که سراز رکوع برداشته است، باید با او به سجده رود، اما این سجده برای او به عنوان رکعت محسوب نمی‌شود.

این روایت که از نظر سند صحیح و معتبر است، بیان می‌کند که اگر مأموم رکوع امام را از دست بدهد و در حالی که جماعت پیوندد که امام از رکوع برخاسته و به

سجده می‌رود، می‌تواند همراه امام به سجده رود، ولی این سجده از نظر شرعی رکعت او محسوب نخواهد شد. همچنین روایت، بر لزوم هماهنگی کامل مأموم با امام تأکید دارد؛ به گونه‌ای که اگر مأموم در حرکتی از حرکات نماز (مانند سجده) پیش از امام اقدام کند، موظف است آن حرکت را اصلاح کرده و با امام هماهنگ شود.

نقد و بررسی تخییر بین فرادی، انتظار و تبعیت

روایت معلی بن خنیس از دیدگاه مرحوم خوئی فاقد وجاهت سندی برای استناد است (خوئی، ۱۴۱۸، ج ۱۷، ص ۱۱۷)، اما این اشکال بر مبنای برخی فقها که ضعف سند را با عمل مشهور جبران می‌کنند، قابل رفع است. بنابراین، می‌توان به این روایت استناد کرد و با توجه به روایات دیگر، تردیدی باقی نمی‌ماند که مکلف می‌تواند پس از رکوع نیز به نماز جماعت بپیوندد. از آنجا که لازمه اقتدا در هر حالت، پیروی از امام است، مأموم باید سجده‌ها را نیز با امام به جا آورد، هر چند تا رکعت بعد این سجده‌ها جزو نماز او محسوب نمی‌شود. براین اساس، نظریه فوق قابل دفاع خواهد بود.

۲-۳. دیدگاه بطلان

همان گونه که در کلمات فقها در حاشیه عروه آمده است، یکی از دیدگاه‌های مطرح، بطلان اصل نماز است (فیروزآبادی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۱۳۶). هر چند دلیلی صریح بر این دیدگاه در کلمات فقها یافت نشد، به نظر می‌رسد این نظر بر مبنای عدم جواز خروج از نماز جماعت استوار است؛ یعنی کسی که نیت اقتدا به نماز جماعت می‌کند، مجاز به خروج از آن نیست و باید به جماعت ادامه دهد.

این مبنا از دو جهت قابل نقد است: نخست آن که اصل این مبنا نیازمند تأمل است، زیرا بسیاری از فقها خروج از جماعت را - به ویژه در موارد ضرورت - جایز می‌دانند. دوم آن که حتی در صورت پذیرش این مبنا نیز نمی‌توان این نماز را باطل دانست، زیرا عدم جواز خروج، ناظر به جایی است که شخص به امام جماعت ملحق شده و جماعت برای او محقق شده باشد، در حالی که در فرض مورد بحث، شخص هنوز به جماعت وارد نشده است که از آن خارج شود.

همچنین روشن است که اگر شخص از امام جماعت پیروی کرده و همراه او به سجده رود، دلیلی بر عدم صدق جماعت وجود ندارد، زیرا عدم درک رکوع تنها شرط در شمارش رکعات جماعت است، نه شرط تحقق اصل جماعت. بنابراین، اگر فرد صرفاً به نیت الحاق به جماعت تکبیر گفته اما موفق به پیروی عملی از امام نشده است، حقیقت اقتدا محقق نشده و می‌تواند نیت خود را به فرادی تغییر دهد؛ اما اگر از امام تبعیت کند، نماز او هم صحیح است و هم جماعتش تحقق می‌یابد.

۲-۴. دیدگاه تعیین انتظار

دیدگاه تعیین بر انتظار که در حاشیه عروه مورد پذیرش مرحوم بروجردی و گلپایگانی قرار گرفته (بروجردی و گلپایگانی، العروة الوثقی (المحشی)، ج ۳، ص ۱۳۶)، بر این منطق استوار است که اولاً خروج از نماز جماعت جایز نیست، در نتیجه امکان فرادی شدن نماز وجود ندارد، و ثانیاً تبعیت از امام جماعت در سجده‌ها با اشکال اضافه شدن رکن نماز مواجه است.

پاسخ نکته اول پیش‌تر گذشت. اما درباره نکته دوم باید گفت که اضافه کردن سجده یا دو سجده، در صورتی که به دلیل تبعیت از امام جماعت باشد، اشکالی ندارد؛ چنان که اضافه کردن رکوع به دلیل تبعیت از امام نیز بی‌اشکال دانسته شده است (یزدی طباطبایی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۱۵۷) و این حکم از روایات یادشده نیز به خوبی استفاده می‌شود.

۲-۵. دیدگاه تعیین فرادی

دیدگاه دیگری که از برخی نقدها قابل برداشت است، این است که در فرض مسئله، تنها نماز فرادی مکلف صحیح خواهد بود. همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، مرحوم حائری یزدی فرادی شدن نماز را مطابق قاعده می‌داند و می‌نویسد: دلیل این امر آن است که شخص وظیفه جماعت را انجام نداده است (حائری یزدی، ۱۴۰۴، ص ۴۶۵). آیت‌الله فیاض نیز تنها نماز فرادی را صحیح دانسته است (فیاض، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۷۵). در میان فقهای معاصر، آیت‌الله مکارم شیرازی نیز گرایش به همین فتوا دارد؛ وی در تعلیقه عروه می‌نویسد: «لا یُترك الاحتیاط باختيار هذا الشق» که ظاهر

تأملی بر نظر مشهور پیرامون اقتدا در رکوع امام / رضا پورصدقی و ۶۸

عبارت نیز دلالت بر احتیاط واجب دارد (ن.ک: مکارم شیرازی، العروة الوثقی مع التعليقات، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۶۵۸).

اشکال این نظریه نیز، بر اساس نکات پیش تر ذکر شده، روشن است.

نتیجه گیری

تبعیت مأموم از امام در افعال نماز جماعت واجب است و دلیل این وجوب، متفاهم عرفی از مفهوم اقتدا و نیز روایات معتبر است. با این حال، در مورد تبعیت در حالتی خاص از نماز جماعت اختلاف نظر وجود دارد؛ این حالت زمانی است که مأموم در رکوع امام اقتدا می کند، اما پیش از آن که خود به رکوع برسد، امام از رکوع خارج می شود. در چنین فرضی، فقها درباره وظیفه مأموم دیدگاه های متفاوتی ارائه کرده اند.

پژوهش حاضر، با تأمل در ادله و روایات موجود، به این نتیجه رسید که با توجه به مفهوم «ائتمام» که مقتضای آن تبعیت عرفی از امام است، مأموم علاوه بر امکان نیت فردی، می تواند از امام تبعیت کرده و عملاً به نماز جماعت ادامه دهد؛ به این معنا که در سجده ها و سایر افعال نماز با امام همراه باشد. در این حالت، ائتمام صادق است و اضافه شدن رکن سجده ها مانعی ایجاد نمی کند، هر چند تا پیش از رکعت بعد امام، این افعال جزو رکعات مأموم محسوب نمی شود. براین اساس، دیدگاه مشهور مبنی بر امکان انتظار در حالت ایستاده برای الحاق به جماعت در رکعت بعد، به دلیل عدم صدق تبعیت عرفی، مردود است.

در نتیجه، در فرض مورد بحث، مأموم مخیر است که یا نماز خود را به صورت فردی ادامه دهد، یا اگر قصد درک نماز جماعت را دارد، باید بر اساس نیت اقتدا، از امام تبعیت کرده و همراه او به سجده رود.

فهرست منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۹ق). لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲. انصاری، مرتضی. (۱۴۱۶ق). فرائد الأصول. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم.

۳. ایروانی، باقر. (۱۴۲۳ق). *دروس تمهیدیه فی الفقه الاسلامی*. قم: نشر بوستان کتاب.
۴. بحرانی، یوسف. (۱۴۰۹ق). *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*. قم: مؤسسة النشر الإسلامية.
۵. ترحینی عاملی، سید محمد حسین. (۱۴۲۷ق). *الزبدة الفقهية فی شرح الروضة البهية*. قم: دار الفقه للطباعة و النشر، چاپ چهارم.
۶. جمال، جمال‌الدین. (۱۴۰۰). *شرایط احکام و آثار نماز جماعت از دیدگاه مذاهب پنج‌گانه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته الهیات و معارف اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، واحد گرگان.
۷. حائری یزدی، عبدالکریم. (۱۴۰۴ق). *کتاب الصلاة*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۸۲ق). *وسائل الشیعه*. تهران: مکتبه الاسلامیه.
۹. حسینی، سید محمد. (۱۳۹۳ش). *فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی*. تهران: نشر سروش.
۱۰. حکیم، سید محسن طباطبایی. (۱۴۱۶ق). *مستمسک العروة الوثقی*. قم: مؤسسة دار التفسیر، چاپ اول.
۱۱. حلبی (ابن زهره)، حمزه بن علی. (۱۴۱۷ق). *غنیة الی علمی الاصول والفروع*. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۲. حلبی، ابوالصلاح. (۱۳۸۷ش). *الکامل فی الفقه*. قم: نشر بوستان کتاب.
۱۳. حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۲ق). *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*. مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، چاپ اول.
۱۴. حلّی، علامه. حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ق). *قواعد الأحکام فی معرفة الحلال والحرام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
۱۵. حلّی، محقق. جعفر بن حسن. (۱۴۰۷ق). *المعتبر فی شرح المختصر*. قم: مؤسسه سید الشهداء.
۱۶. حلّی، محقق. جعفر بن حسن. (۱۴۱۸ق). *المختصر النافع*. قم: مؤسسه المطبوعات الدینیّه.
۱۷. خمینی، سید روح‌الله موسوی. (بی‌تا). *تحریر الوسیلة*. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ اول.
۱۸. خویی، سید ابوالقاسم موسوی. (۱۴۱۸ق). *موسوعة الإمام الخوئی*. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ره، چاپ اول.
۱۹. زبیدی، محب‌الدین. (۱۴۱۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۲۰. زندی، فریبا. (۱۴۰۲ق). *احکام و شرایط نماز جماعت در فقه اهل سنت*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه کردستان.
۲۱. سبزواری، عبدالاعلی. (۱۴۱۳ق). *مذهب الأحکام فی بیان الحلال والحرام*. مؤسسه المنار، چاپ چهارم.
۲۲. شوشتری، محمدتقی. (۱۴۰۶ق). *النجعة فی شرح اللمعة*. تهران: کتابفروشی صدوق، چاپ اول.
۲۳. ابن بابویه قمی، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). *من لایحضره الفقیه*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

تأملی برنظر مشهور پیرامون اقتدا در رکوع امام / رضا پورصدقی و ۷۰

۲۴. طباطبایی، سیدعلی بن محمد. (۱۴۱۸ق). *ریاض المسائل*. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام، چاپ اول.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). *المبسوط فی فقه الامامیه*. طهران: المكتبة المرتضویه.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). *تهذیب الأحکام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۲۷. عاملی کرکی، علی بن حسین محقق ثانی. (۱۴۱۴ق). *جامع المقاصد*. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۲۸. عاملی، محمد بن مکی شهید اول. (۱۳۷۷ش). *ذکری الشیعه فی أحکام الشریعه*. قم: مؤسسه آل البيت.
۲۹. علیزاده، علی. (۱۴۰۱ق). *نماز جمعه و نماز جماعت از منظر قرآن و روایات*. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته الهیات و معارف اسلامی با گرایش قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، دانشگاه مجازی المصطفی.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). *کتاب العین*. قم: نشر هجرت، چاپ دوم.
۳۱. فیروزآبادی، مجدالدین محمد. (۱۴۲۸ق). *قاموس المحيط*. بیروت: دارالفکر.
۳۲. فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). *مصباح المنیر*. قم: مؤسسه دارالهجرة.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۳۴. نائینی، محمدحسین. (۱۳۵۵ق). *فوائد الأصول*. قم: جامعه مدرسين.
۳۵. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۶. نراقی، احمد بن محمد. (۱۳۸۶ش). *عوائد الأيام*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۷. هاشمی شاهرودی، محمود. (۱۳۹۵ش). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام*. تهران: مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی.
۳۸. یزدی طباطبایی، سید محمدکاظم. (۱۴۲۰ق). *العروة الوثقی*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول.
۳۹. یزدی طباطبایی، سید محمدکاظم. (۱۴۱۹ق). *العروة الوثقی (المحشی)*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
۴۰. یزدی طباطبایی، سید محمدکاظم. (۱۴۲۸ق). *العروة الوثقی مع التعليقات*. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ اول.